

# 8 مارس

## روز اعلام همبستگی جهانی زنان علیه سیستم مردسالاری و سرمایه داری

نیمی از جمعیت کره زمین، 3\2 کار روی زمین را انجام می دهند؛ 10% کارمزد پرداخت شده را دریافت می کنند و 1% ثروت روی زمین را در اختیار دارند. در آغاز سده ی 21، 70% جمعیت فقیر 1,3 میلیاردی را زنان تشکیل می دهند. این است کارنامه ی سلطه ی سیستم در هم تنیده ی سرمایه داری و مردسالاری در سالهای اولیه ی قرن 21. نه! شادباشی در کار نیست! روز 8 مارس روز تأمل و تعمق بر استثمار و ستمی است که در گسترده ترین شکل، در عرض و عمق جامعه بشری جاریست و ما روزانه به اشکال مختلف آن را تجربه می کنیم. نگذاریم گستردگی، تکراری بودن و دیرپایی آن بر حواس مان غلبه کند. نگذاریم نسبت به ستم جنسی، تحقیر زنان و استثمار یک جنس از نوع بشر توسط جنس دیگر حساسیت خود را از دست داده و بی تفاوت بمانیم. ملتی که در قرن 21 زیر سلطه ی یک حکومت مذهبی قرارداد، بیش از هر جامعه دیگر در معرض خطر از دست دادن این حساسیت است. شرایط کنونی "زندگی" زنان در ایران خود یک هشدار جدیست:

زنان ایران علیرغم آنکه جانانه ترین مبارزه با حکومت زندگی سوز جمهوری اسلامی را به پیش برده اند در پدیدآوردن کوچکترین تغییر در قوانین ضد زن جمهوری اسلامی ناکام مانده اند. قبولی 62 درصدی دختران در دانشگاهها، حضور گسترده زنان هنرمند و نویسندگان - به زبان دیگر- زنان اتولکنوتل و همچنین تلاش در فمینیزه کردن بخش های آموزشی و خدماتی جامعه، هر چند فضایی برای نفس کشیدن افشار کوچکی از جامعه بزرگ ایران را فراهم کرد اما از آنجا که در تطبیق با سیاست جداسازی جنسی حکومت گران قرارگرفت، در خدمت قوانین ضد زن رژیم درآمد است. جمهوری اسلامی تلاش کرده است تا از وجود زنان آموزش دیده و متخصص برای پیشبرد سیاست مبتنی بر آپارتاید جنسی استفاده کرده و از این حضور بعنوان ابزاری تبلیغاتی برای اعلام موفقیت سیاست آپارتاید جنسی در عرصه بین المللی سود جوید. زنان ایران علیرغم آنکه در خرداد 76 برگی از تاریخ ایران را ورق زدند، نتوانستند حتی امنیت دختر بچه گان خود را تأمین کنند و سن ازدواج را حتی به میزان 15 سالگی بالا ببرند. حضور 25 ساله حکومت اسلامی و تحمیل قوانین قرون وسطایی آن بر جامعه ایران، انسان ایرانی را نسبت به رفتار سبعانه نیمی از جامعه در مقابل نیمه دیگر بی تفاوت کرده است. هنوز وجود "ازدواج بچه شیرخواره به شرط اجازه پدر" در قوانین رسمی کشور برای وجدان جامعه آنچنان آزاردهنده نیست تا افراد جامعه لغو آن را در مبارزات روزمره شان فریادبرآورند. اجرای قوانین خانواده مصوب سال 1314 هنوز جسارت مدنی قاضی و وکیل ایرانی را آنچنان برنیانگیخته تا صحنه دادگاه ها را به محاکمه صادرکنندگان این قوانین تبدیل کنند. فریادهایی که دخترکان سمنانی در خودسوزیشان و لشکر گسترده دختران و زنان "خیابانی" در شیوه زندگیشان سرداده اند هنوز گوش شنوا پیدا نکرده است. هنوز طنین شعار "میزان آزادی زن دریک جامعه، معیار آزادی آن جامعه است!" درمیان نیروهایی که خود را در مبارزه با جمهوری اسلامی می بینند نارساست.

فقط یک چیز دیگر روشن شده است:

برانداختن جمهوری اسلامی اولین گام در راه تغییر قوانین زن ستیز حاکم است و جدایی دین از دولت اولین شرط برای هر دولت جانشین آن. تجربه انقلاب بهمن 57 و مبارزات سنگین بهای زنان ایران به آنان آموخته است که در مبارزات اجتماعی تکیه بر خود و منافع جنسی خود را همچون قطب نما در پیش رو داشته باشند و نیروی آلترناتیو جمهوری اسلامی را با مواضع و دیدگاه های آن در مقابله با عوارض حاکمیت سیستم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی در ایران بسنجند. زیرا جامعه ای که بیش از 25 سال زیر تبلیغات ضد زن جمهوری اسلامی قرارگرفته به نیرویی عظیم برای بازسازی خود نیازدارد. مبارزه ای بی وقفه در پیش روی یکایک ما و هر نیروی ترقی خواه ایرانی قرارداد.

روز 8 مارس، روز اعلام همبستگی جهانی زنان علیه استثمار زنان و دختران، روز پیوند دخترچگان بلژیکی و دخترکان کرج، روز همبستگی گل بهارها و آسیه ها، روز گره خوردن فریاد زهرا کاظمی ها و راشل کوری هاست. نه! زنان ایران در نبردشان تنها نیستند!

درود بر نیروی طغیانگر زنان ایران برای ساختن جامعه ای بر اساس برابری دو جنس پرتوان باد همبستگی جهانی زنان در مبارزه با سیستم درهم تنیده مردسالاری و سرمایه داری!

05-03-2004 - کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر)